

حول منشور مطالبات پایه ای طبقه خویش متحد شویم

کمیته هماهنگی

یکشنبه هشتم دی ۱۳۸۷

نهادهای مختلف دولت سرمایه داری با صراحت تمام یا به طور ضمنی اعلام داشته اند که برای سال آتی سخنی از افزایش دستمزد توده های کارگر در کار نخواهد بود!! پدیده ای به نام افزایش مزدهای سالانه!! صرفاً پرداخت درصد بسیار ناچیزی از حجم کاهش سنگینی است که هر سال در بهای واقعی شبه رایگان نیروی کار کارگران رخ می دهد. میزان این کاهش در طول سال جاری و در فاصله هر بام تا شام این سال، از همیشه موحش تر بوده است. با این وجود دولت سرمایه داری در چهارچوب یک برنامه ریزی بسیار گسترده برای تعرضاتی هر چه جنایت آمیزتر علیه آخرین لقمه نان و بارقه معاش توده های کارگر، گفتگوی امتناع از جبران این کاهش ۴۰ درصدی بهای نیروی کار کارگران را به پیش کشیده است.

دستمزد بهائی است که سرمایه داران یا دولت آن ها در قبال خرید نیروی کار ما می پردازند تا از طریق مصرف این نیرو در روند کار و تولید سرمایه داری، عظیم ترین حجم اضافه ارزش ها و سودها و سرمایه ها را نصیب خویش سازند. بهای نیروی کار ما بهای وسائل اولیه معیشتی و خورد و خوراک و اجاره مسکن و پوشاکی است که لازمه قطعی و حتمی زنده ماندن و بازتولید شدن این نیرو برای فروش مجدد به صاحبان سرمایه و استثمار مدام آن توسط سرمایه داران و به بیان دقیق تر سرمایه است. این وسائل و مایحتاج اولیه معیشتی یا همان خورد و خوراک مورد نیاز برای بازتولید نیروی کار، هر سال به گونه ای فاحش و بی مهار و جهش آسا افزایش می یابد و هر ریال افزایش آن عملاً و به صورت طبیعی کاهشی است که در بهای نیروی کار ما روی می دهد. بحث افزایش سالانه حقوق ها! داستان ترمیم اضطراری و اجباری این کاهش است. آنچه در عالم واقع به وقوع می پیوندد نه هیچ ریالی از دیاد دستمزدها بلکه صرفاً پرداخت بخش ناچیزی از میزان تنزل فاحش بهای نیروی کار ما در هر سال و یا به بیان دقیق تر در هر ماه و حتی در هر روز و شاید هم در هر ساعت است.

بحث بالا حدیث رابطه خرید و فروش نیروی کار و رابطه بین کار و سرمایه در سراسر جهان است. این حدیث در جهنم سرمایه داری ایران یا جوامع مشابه در جمله جمله خود، با وحشت و دهشت و توحش و تاتاریسم خونبار سرمایه علیه زندگی توده های کارگر به هم آمیخته است. در این جا بهای نیروی کار در اساس خود و قبل از آنکه زیر فشار سهمگین گرانی ها آب رود و آب شود و ناپدید گردد، خود بسیار ناچیز است، بهای نیروی کار در بهترین حالت در قیاس با حجم کوه آسای اضافه ارزشی که سرمایه داران در جریان خرید و مصرف نیروی کار کارگران و استثمار آنان نصیب خود می سازند حدود ۱ به ۱۲ است. بهای نیروی کار در اینجا به صورت بسیار وحشتناکی پائین است و فشار گرانی ها بر کاهش این بهای ناچیز به نوبه خود موضوعی دهشتناک است. دولت سرمایه داری اینک به طور ضمنی یا صریح سخن از آن دارد که حتی غرامت این تنزل موحش را از شانه سرمایه داران ساقط سازد و کل فشار

آن را بر کرده لهیده و فرسوده توده های کارگر ساقط شده از هستی بار نماید.

شاید که در سیطره حاکمیت رابطه خرید و فروش نیروی کار در ایران گفتگو از طرح شریانه بالا و تصمیم دولت سرمایه برای اجرای آن یا کلاً گزارش تهاجمات هار سرمایه داران به سطح معیشت توده های کارگر نوعی بازگویی بدیهیات روزمره بی نیاز از گزارش باشد، به طور قطع چنین است. صاحبان سرمایه و دولت آن ها و در اساس شیوه تولید سرمایه داری در اینجا در جریان هر نفس کشیدن آدم ها سوای هجوم هار شقاوت بار علیه هست و نیست کارگران کار دیگری نمی کنند و لاجرم سخن اصلی نه شرح این یا آن طرح و تصمیم ضد کارگری دولت، بلکه چگونگی مبارزه و جنگ و ستیزی است که طبقه کارگر ایران باید برای دفع این تهاجمات و برای تدارک حمله علیه این تعرضات انجام دهد. بنیاد حرف ما دقیقاً این است. فرض کنیم که در شرائط روز هیچ کلامی از محو اضافه دستمزدهای سالانه نباشد، فرض کنیم که امسال هم به سیاق سال های قبل چند ریالی به دستمزد بخش هائی از توده های طبقه کارگر اضافه گردد، آیا این به معنای هیچ تخفیفی در سیر مستمر و لحظه به لحظه وخامت زندگی ما خواهد بود؟ آیا اگر این مورد معین تهاجم سرمایه علیه ما انجام نگیرد، هزارها هجوم هستی سوز دیگر از طرف سرمایه داران و دولت آن ها تار و پود زندگی مان را در خود نخواهد پیچید؟ تاریخ زندگی ما در سیطره قدرت و استیلای نظام بردگی مزدی تاریخ این تعرضات بی امان سرمایه است. بنا بر این در بحث دستمزدها مسأله اصلی نه گفتگوی اخیر دولتمردان و انجام یا عدم انجام آن ها بلکه یافتن راهی برای غلبه بر وضعیت کاملاً غیر قابل تحمل معیشت موجود توده های طبقه خویش است. در این میان و قبل از ادامه سخن باید بر یک نکته بسیار مهم و جدی تأکید کنیم، به قول آن شاعر « آن که می خندد خبر تلخ را نشینده است » مستقل از اینکه طرح الغاء افزایش سالانه دستمزدها اجرا یا تعطیل گردد، گسترش تهاجمات سرمایه به آخرین بازمانده های بهای نیروی کار ما امری صد در صد محتوم است. نظام سرمایه داری بدون هیچ تردید برای سرشکن نمودن تمامی بار اقتصادی طغیان موج بحران روز این نظام بر آلونک های نمود و محقر و تاریک زندگانی ما نه فقط دریغ خواهد کرد که کل میلیتاریسم سازمان یافته و دستگاههای عظیم اعمال قهر و سرکوب خود را هم برای این کار به میدان فرا خواهد خواند. تذکر این نکته به ویژه از این لحاظ واجد اهمیت بیش و بیشتر است که بخش هائی از طبقه کارگر که تا امروز به صورت بسیار نادرست و ناموجهی انگشت سکوت بر لب در مقابل سبعمانه ترین جنایات سرمایه علیه توده عظیم همزنجر طبقه خود طریق مماشات اتخاذ کرده اند باید بدانند که شتر بیکاری و گرسنگی و همه سیه روزی های دیگر ناشی از وجود بردگی مزدی هر چه پرشتاب تر در خانه آنان نیز خواهد خوابید. واقعیت این است که حالت رضا و سکوت این بخش از طبقه کارگر ایران بسیار بیشتر از آنکه ناظر بر داشتن یک وضعیت محسوس و متمایز زندگی در قیاس با سایر کارگران باشد، گواه تن دادن به تب از وحشت مرگ با قبول بار سنگین بی مسؤولیتی و سازشکاری و پشت نمودن به منافع مشترک طبقاتی است. در هر حال این بخش نیز باید یقین کنند که حکم سرمایه بسیار جدی و بیش از حد خشونت بار است و در روزهای آتی همه هست و نیست آنان را در لا به لای موج قهر خود فرو خواهد پیچید.

محور اصلی این بحث، مسأله دستمزدها و سطح معیشت و امکانات اولیه اجتماعی ما است و اینکه برای دفاع از بهای نیروی کار خود و بهبود شرائط زندگی و کار خویش در این شرائط خاص هجوم موج بحران سرمایه چه باید بکنیم؟ پاسخ ما فعالین ضد سرمایه داری درون کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری همیشه روش بوده است و

اینک همچنان روشن و شفاف است. از دید ما افتادن به ورطه موضوعاتی مانند افزایش سالانه باید انجام گیرد، یا تطابق میزان افزایش سالانه دستمزدها با نرخ تورم و مانند این ها به هیچ وجه علاج درد نیست. ما با قاطعیت تمام بر ضرورت متحد شدن و سازمانیابی هر چه گسترده تر حول منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر اصرار می کنیم. شالوده این منشور بر ارتباط ریاضی و بسیار ساده و سرانگشتی میان سطح معیشت و امکانات رفاهی ما با محصول اجتماعی سالانه کار و تولید طبقه مان استوار است. ما خواستار آنیم که هیچ ریالی از محصول کار و تولیدمان به اضافه ارزش و سود صاحبان سرمایه و در واقع به سرمایه تبدیل نگردد. حتماً خیلی ها به سیاق معمول فریاد سر خواهند داد که ای داد و بیداد، این چه حرفی است؟ اینجا جامعه سرمایه داری است. مگر می شود که خواستار توقف پروسه تولید اضافه ارزش شد؟ مگر ممکن است که ما از توازن میان محصول اجتماعی کار سالانه و سطح معیشت موجودمان سخن رانیم، اگر این حرف ها را بزنیم که دیگر سرمایه داری نیست و خیلی حرف ها و تئوری بافی های دیگر که در این راستا ردیف خواهد شد و در پیش روی ما قرار خواهند داد. آنسان که انگار ما اصلاً این ها را ندانسته و نمی دانیم!!

راستش این عبارت ها و جمله پردازی ها بسیار بی معنی و اسفبار است اما بدبختانه بیان نوع دریافت و محتوای فکر و نگاه اجتماعی عظیم ترین بخش نیروهای سیاسی چپ و فعالین جنبش کارگری نیز می باشد. پاسخ ما به این حرف ها بسیار صریح است. آری با کمال بدبختی، در جامعه بردگی مزدی زندگی می کنیم و عجالتاً مجبور به زندگی هستیم ولی ما در تمامی هستی اجتماعی و طبقاتی خویش با این نظام سر جنگ داریم. طبقه ما در هیچ کجا و در هیچ تاریخی هیچ عهدنامه و مقوله نامه ای را امضاء نکرده است که پاسدار استثمار خویش توسط سرمایه و مدافع توحش و تاتاریسم نظام سرمایه داری علیه هست و نیست خویش باشد. این فقط سندیکالیست ها و سران اتحادیه های کارگری هستند که چنین عهدنامه ننگینی را علیه ما کارگران توشیح کرده اند. ما اگر سرمایه داری را سرنگون نمی کنیم فقط به خاطر آن است که در شرائط روز توان این کار را نداریم ولی درست در قعر همین اوضاع و احوال و موقعیت بد پیکار هم با همه وجود برای تحقق این هدف تلاش و مبارزه می کنیم. اساساً مهمترین و محوری ترین سخن ما با نظام سرمایه داری این است که شر خود را برای همیشه از سر ما کم کند و گور خود را از حوزه کار و تولید و حیات اجتماعی ما برای همیشه گم سازد. ما یک طبقه ضد سرمایه داری هستیم و واقعیت سرمایه ستیزی ما نه یک مقوله اخروی و برای دنیای بعد بلکه پدیده حی و حاضر هستی اجتماعی روز ما و تار و پود جنبش جاری ماست. ما بسیار محکم و استوار در مقابل نظام هار سرمایه داری اعلام می کنیم که خواستار انسداد تام و تمام مجاری تولید اضافه ارزش هستیم و کل محصول اجتماعی کار و تولیدمان را می خواهیم و برای این می خواهیم که در بهبود زندگی و رفاه و امکانات اجتماعی خود به کار گیریم. نظام سرمایه داری طبیعتاً با تمامی قدرت، با همه قوای قهر و سرکوب، با عظیم ترین تدارک میلیتاریستی خود دست به کار قلع و قمع ما خواهد شد. اما در این صورت ما به حق و به درستی در یک جنگ واقعی طبقاتی درگیر شده ایم. در یک سوی جنگ، ما طبقه بردگان مزدی قرار داریم که با همه توان علیه سرمایه و استثمار شدن توسط شیوه تولید سرمایه داری می جنگیم و در سوی دیگر این جنگ طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری است که با همه قوا دست به کار سرکوب ماست. در همین روند است که مبارزه طبقاتی به طور واقعی و زمینی تفسیر می گردد. اینکه سرنوشت جنگ چه خواهد شد سؤالی است که پاسخ آن را صرفاً میزان تدارک

قوای طرفین می دهد. توضیح واضحات است که ما توده های کارگر در بدترین موقعیت سازمانیابی و امکان پیکار قرار داریم. در این اصلاً جای شکی نیست. اما این واقعیت با تمامی تلخی و عوارض سنگینش اصلاً به ما نمی گوید که نباید علیه اساس استثمار خویش توسط سرمایه مبارزه کنیم، بلکه کاملاً بالعکس فریاد می زند که باید برای پیشبرد این مبارزه دست به کار تدارک و آگاهی و سازمانیابی و ساز و کارهای لازم شد. این واقعیت اتفاقاً بر سر ما فریاد می کشد که ریل مبارزه بسیار عالی است. میدان جنگ همین جا است و همه میدان های دیگر دروغ، عوامفریبانه و بی راهه های سازش و تسلیم است. این واقعیت در همان حال فریاد خود را با طنینی نیرومندتر در گوش ما پرخروش می سازد که برای چنین جنگی دنیائی آگاهی و ساز و برگ و تشکل و برنامه و شناخت افق و راهبرد و راهکار و چاره جوئی مورد نیاز است. انتخاب درست و آگاهانه میدان هموردی و پیکار طبقاتی این امتیاز عظیم را دارد که چند و چون واقعی تجهیز و آمادگی و سازمانیابی و شناخت لازم جنگیدن را در پیش پای ما پهن می کند و تناسب و سنخیت و پیوند اندرونی مبارزات روز با جنگ استراتژیک برای امحاء سرمایه داری را به ما گوشزد می نماید. تمرکز قوا در این میدان سبب می شود که درست به میزان توان خویش دشمن را از حوزه استثمار و تصاحب ارزش اضافی ناشی از استثمار توده های طبقه مان به عقب رانیم و لاجرم هر مقدار دستاورد مبارزات جاری ما فتح سنگری برای تعرضات نیرومندتر علیه سرمایه، پیشروی معینی برای انتقال جبهه جنگ به حوزه تعرض نیرومندتر بر ضد سرمایه و برای و تحمیل شکست های بعدی بیشتر بر نظام سرمایه خواهد بود. آری به همه این دلایل ساده و شفاف است که ما تأکید داریم منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران شالوده مبارزه روز و بنیاد سازمانیابی سراسری توده های طبقه مان در مقابل سرمایه داران و دولت سرمایه داری باشد. در این منشور سطح دستمزدها به سطح محصول اجتماعی سالانه توده های ما ربط یافته است. بهداشت رایگان، مسکن مناسب رایگان، آموزش و پرورش رایگان در همه سطوح، مهدکودک رایگان برای همه، مراقبت های همه نوعی بهداشتی و درمانی و اجتماعی و امدادی از سالمندان به طور کاملاً رایگان، ایاب و ذهاب رایگان، دستمزد کامل برابر با دستمزد کامل یک کارگر شاغل برای تمامی زنان خانه دار، پرداخت حقوق ماهانه به کلیه اطفال و جوانان زیر ۱۸ سال، دستمزد کامل دوره اشتغال برای هر کارگر بیکار، تضمین قطعی یک درآمد ماهانه یک میلیون و دویست هزار تومانی برای هر خانواده ۴ نفری و نوع این ها در زمره خطوط اساسی مطالبات قرار دارند.

مبارزه متحد حول این منشور تکلیف نوع سازمانیابی توده های طبقه مان را نیز بسیار ساده و صریح روشن می سازد. برای تحمیل مواد این منشور بر سرمایه داران و دولت سرمایه داری نمی توان سندیکا ساخت. محور مطالبات منشور تعرض به شیرازه حیات سرمایه، اخلال روند تولید اضافه ارزش و اختصاص حداکثر و هر چه بیشتر محصول کار و تولید ما به معیشت و رفاه اجتماعی و تعالی جسمی و روحی انسان ها است. تحقق این خواسته ها را نمی توان در چهارچوب مبارزه قانونی و انجماد جنبش خویش در داربست های پوسیده و سرمایه پسند سندیکالیستی دنبال کنیم. منشور مطالبات پایه ای فریاد می زند که اتکاء به قدرت متحد و آگاه و سازمان یافته و افق دار طبقاتی تنها راه پیروزی در پیکار علیه سرمایه است و چنین نوع سازمانیابی سوای شوراهای ضد سرمایه داری توده های کارگر هیچ چیز دیگری نمی تواند باشد.

فراموش نکنیم که منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر نه بنیاد برنامه ریزی مستقیم لغو کار مزدی و اعلام پایان

حیات سرمایه داری بلکه صرفاً منشور سنگ بنای واقعی بیکار در این راستا است. این منشور خط شاخص میان جنبش ضد سرمایه داری توده های کارگر با همه اشکال فرمیسم راست و چپ است. شالوده کار در این جا حمله به روند تولید اضافه ارزش و برنامه ریزی این حمله در همه عرصه های حیات اجتماعی درون جامعه سرمایه داری متناسب با امکانات اعمال قدرت و سطح آرایش قوای روز طبقه کارگر است. ما از همه بردگان مزدی سرمایه دعوت می کنیم که برای تحمیل مطالبات جاری خویش بر سرمایه و از جمله برای تحمیل بیشترین سطح ممکن دستمزد و امکانات معیشتی خود بر نظام بردگی مزدی حول این منشور گرد آئیم و دست در دست هم گذاریم. راه درست اتحاد و سازمانیابی ما علیه سرمایه داری نیز مسلماً از همین جا عبور می کند. تحمیل مطالبات مندرج در این منشور نیازمند سازمانیابی سراسری و شورائی طبقه ما در مقابل نظام بردگی مزدی است. ما با اتحاد حول این منشور می توانیم مبارزات طبقه خویش در همه مراکز کار و تولید را به هم پیوند زنیم. می توانیم در همه کارخانه ها، همه شبکه های حمل و نقل، همه مدارس و در یک کلام همه مراکز فروش نیروی کار حول همین مطالبات دست به کار تأسیس شوراهای ضد سرمایه داری خویش گردیم، می توانیم قدرت شورائی خود را در سراسر جامعه با هم یکی کنیم. سازمانیابی شورائی حول این منشور به طبقه ما توان خواهد داد که کلیه کارخانه های در حال تعطیل را تصرف کنیم و برنامه ریزی کار و تولید این مراکز را از طریق شوراهای کارگری خویش به دست گیریم.

حول منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر متحد شویم

برای جلوگیری از بیکاری، کارخانه های در حال تعطیل را به تصرف خود در آوریم

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۹ دی ۱۳۸۷

<http://www.hamaahangi.com>

hamaahangi@gmail.com